

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این بود که این قسمت روایت را چطور معنا کنیم، بعد از اینکه اختلاف وجود دارد که آیا «یوم خالفته» قید است برای قیمت یا بغل، یا متعلق به نعم است، معلوم شد که باید اول این بحث را کنیم که اساساً سؤال سائل از چیست؟ و اگر این جواب را روشن کنیم مطلب دیگر که محل بحث است که این «یوم خالفته» مربوط به چیست، روشن می شود. اول باید ببینیم سؤال سائل از چیست؟ بیان کردیم که شیخ (اعلی الله مقامه الشریف) می فرماید سوال سائل از اصل ضمان نیست، سائل می داند که اگر این بغل تلف بشود ضمان هست منتهی سؤال سائل این است که چه قیمتی باید داده شود؟ گفتیم در مقابل فرمایش شیخ مرحوم ایروانی و مرحوم امام می فرمایند سؤال سائل از اصل ضمان است و سائل سؤالش این است که آیا در صورت تلف ضمانی در کار هست یا نه؟

در جلسه گذشته عرض کردیم که چون قبلاً امام (ع) فرمود «عليك مثل كراء البغل من الكوفة إلي النيل و من النيل إلي بغداد و من بغداد إلي كوفة»، یعنی امام (ع) فرمود تو باید اجرة المثل تمام این 15 روز را بپردازی. امام (ع) مسئله ی کرایه بغل را در این مدت بیان کرد. سائل نه اینکه آن مطلب ابوحنیفه در ذهنش بود، گفتیم بیائیم بگوئیم سائل می گوید حالا که کرایه ی این مدت را باید بدهد اگر در این مدت این بغل تلف شد آیا ضامن اصل بغل هم هست؟ در ذهن سائل این بوده که اگر کسی ضامن اصل بغل هست نباید ضامن این کرایه ها باشد! آن وقت این مطلب از ابوحنیفه در ذهن سائل بوده، سائل گویا به امام اینطور عرض می کند، حالا که ضامن کرایه ها است باز می فرماید ضامن اصل بغل هم هست یا نه؟ که این را در جلسه ی گذشته عرض کردیم.

ادامه بحث: بررسی احتمالات دیگر در روایت ابي ولاد

يك احتمال که در ذهن بعضی از آقایان هم آمده این است که از این طرف قضیه بگوئیم که نه اینکه امام (ع) مسئله ی کرایه را مطرح کرد سائل هم در ذهنش ضمان نسبت به تلف مسلم است، ابي ولاد می داند که اگر این بغل تلف بشود ضامن است؟ منتهی اعتراضاً بر امام می فرماید «أرأيت لو عطب البغل أو نفقة أليس يلزمني؟» می خواهد به عنوان يك اعتراض بر امام بگوید در اینکه اگر بغل تلف شود ضمان در کار است و تردیدی در آن وجود ندارد، آن وقت با اینکه ضمان تلف مسلم است باز هم شما می فرمایید باید کرایه های این مدت را بدهد؟ این اولاً که بگوئیم جنبه ی اعتراضی داشته باشد که لازمه ی این بیان این می شود که این استفهام استفهام تقریری باشد، یعنی سائل به امام بگوید اگر این تلف بشود ضمان نسبت به اصل تلفش هست، چرا علاوه بر ضمان اصل ضمان کراء را مطرح می کنید؟ لازمه اش این است که این استفهام تقریری بشود و خود استعمال همزه ی استفهام

در استفهام تقریری خلاف ظاهر است.

ثانیاً بگوئیم ابي ولاد می‌داند نسبت به اصل تلف ضمان وجود دارد اما بر امام(ع) اعتراض می‌کند که با وجود اینکه ضمان نسبت به اصل تلف هست چرا شما ضمان را نسبت به کراء بیان می‌کنید؟ اشکالش این است که از شأن ابي ولاد و دیگران هم نسبت به امام(ع) بگوئیم کلامش را حمل بر اعتراض کنیم، این هم خیلی بعید است. و آنچه که این احتمال را به طور کلی دفع می‌کند این است که واقعاً اگر ابي ولاد يك چنین سؤالی در ذهنش بود و يك چنین اعتراض، اقتضاء داشت امام(ع) به ابي ولاد جواب بدهد ولي اصلاً امام این را نفرموده بلکه می‌فرماید «نعم قيمة بغل يوم خالفته» لذا اینکه ما این قسمت را بخواهیم حمل کنیم بر اینکه ابي ولاد يك اعتراضی می‌کند این بعید است با این سه اشکالی که عرض کردم.

حالا که اینطور است باید بگوئیم ابي ولاد دارد از اصل اینکه اگر این تلف بشود آیا ضمان دارد یا ضمان ندارد؟ البته بالأخره این مطلب ابوحنیفه در ذهن ابي ولاد بوده و همین سبب برای سؤال شده، یعنی اگر مطلب ابوحنیفه که گفت «الفراج بالضمنان من له الغرم فعليه الغنم» اگر این در ذهن ابي ولاد نبود ابي ولاد این سؤال را نمی‌کرد. یعنی ابي ولاد بعد از اینکه دیده امام فرموده کرایه‌های این چند روز را باید بدهد، برایش سوال کرده و در ذهن خودش این شده که پس یا کرایه یا ضمان اصل، هر دوی اینها نمی‌شود. از امام سؤال می‌کند که اگر هم تلف بشود نسبت به تلفش هم ضامن است؟ امام(ع) می‌فرماید بله، نتیجه این می‌شود که اگر در این 15 روز از این بغل استفاده کرده، در روز آخر تلف شد، هم باید کرایه‌ها را بدهد و هم نسبت به اصل ضامن است، ابوحنیفه گفته بود اگر کسی ضامن اصل بشود کرایه لازم نیست بدهد، اما امام(ع) می‌فرماید نه! اگر هم اینجا تلف شد علاوه بر اینکه کرایه 15 روز را باید بدهد نسبت به اصل این بغل که تلف شده این هم ضامن است.

تا اینجا يك احتمال این شد که يوم خالفته قید برای قیمت باشد، اگر بخواهد قید برای قیمت باشد روی آن دو وجهی که شیخ فرمود اشکال داشت، روی وجه سوم افرادی مثل مرحوم آقای خوئی پذیرفتند، مثل مرحوم نائینی که می‌فرماید «وبالجملة ظهور هذه الفقرة في أن المدار علي قيمة يوم المخالفة» این قسمت روایت ظهور دارد در اینکه مدار بر قیمت يوم مخالف است، معلوم می‌شود ایشان هم يوم المخالفة را متعلق به قیمت گرفته، این يك گروه.

دیدگاه مرحوم سید یزدی و صاحب جواهر و مرحوم ایروانی

گروه دوم مثل سید در حاشیه، صاحب جواهر، مرحوم ایروانی، صاحب مفتاح الکرامه، آمدند يوم خالفته را متعلق به نعم گرفتند «نعم قيمة بغل يوم خالفته» یعنی «يلزمك يومُ المخالفة قيمة البغل» روز مخالفت این قیمت بغل بر عهده‌ی تو می‌آید منتهی مرحوم نائینی باز خواست روی این فرض از راه دلالت التزامی درست کند که گفتیم از راه دلالت التزامی هم دلالت ندارد، یعنی ما اگر يوم خالفته را متعلق به نعم قرار دادیم، باید بگوئیم دیگر روایت دلالتی بر اینکه مدار قیمت چه روزی است را ندارد، و بیانی که مرحوم نائینی به عنوان دلالت التزامی آورد را هم ملاحظه فرمودید که اشکال داشت.

دیدگاه مرحوم امام خمینی

يك بیانی هم امام(رض) دارد که می‌فرماید ما اصلاً از روایت قیمت يوم التلف را استفاده می‌کنیم، از همین قسمت روایت «نعم، قيمة بغل يوم خالفته» می‌فرمایند ما قیمت يوم التلف را استفاده می‌کنیم. بیانی که دارند این است که می‌فرمایند اگر يك ذهني خالی از این احتمالات و این مناقشات باشد این «نعم قيمة بغل يوم خالفته» ظهور در این دارد که «يلزمك قيمة البغل حال تلفه» به چه قرینه‌ای؟ می‌فرمایند اولاً این کلمه‌ی قیمت که در این روایت آمده مراد قیمت فعلیه است، مراد قیمت در زمان ماضی یا قیمت در زمان آینده نیست! امام(ع) قیمت فعلیه را دارند مطرح می‌کنند، نمی‌خواهند بگویند قیمتی که در آینده حادث

می‌شود و یا قیمتی که در ده روز پیش بوده، نه! دارند قیمت فعلیه را می‌گویند، این يك. بعد می‌فرمایند کلام ابی‌ولاد اطلاقش اقتضا دارد ضمان تلف را تحت یده مطلقاً، ابی‌ولاد گفته «أُرأيت لو عطب البغل أو نفقه أليس يلزمني» سؤال ابی‌ولاد از ضمان به صورت مطلق است، یعنی این بغل که در تحت ید من بوده، اگر ضامن می‌شد، اگر تلف می‌شد، امام(ع) در جواب فرموده‌اند این ضمان تلف ثابت است اما «لا مطلقاً، بل حال الغصب و المخالفة» یعنی تا مادامی که مخالفت و غصب نیامده اصلاً ضمانی در کار نیست، اگر این بغل را کرایه کرده از کوفه تا قصر بنوهبیره، اگر در همین زمان تلف می‌شد اینجا ضمانی در کار نبود، ضمان بغل از زمانی می‌آید که غصب آغاز می‌شود، ضمان بغل از زمانی می‌آید که مخالفت آغاز می‌شود، ابی‌ولاد سؤالش مطلق بود که اگر این بغل تلف آیا این ضمان هست؟ امام(ع) می‌فرماید بله این ضمان هست ولی از زمان مخالفت، یعنی اگر تلف در زمان مخالفت واقع شود، اما اگر تلف در زمان مخالفت حاصل نشود ضمانی در کار نیست! می‌فرمایند «فقيد يوم المخالفة لدفع توهم الضمان لو تلف قبل الغصب» اینکه امام(ع) يوم المخالفة را می‌آورند برای این است که این توهم را دفع کنند که کسی فکر کند اگر قبل از يوم الغصب، یعنی فاصله بین کوفه تا بنی‌هیره، اگر در آن زمان این بغل تلف شده باشد آن موقع هم ضامن است، نه! این فی حال المخالفة و از زمان مخالفت است، «ففي الجواب تصديق لقول أبي ولاد من حيث» می‌فرماید از يك حيث قول ابی‌ولاد را امام(ع) تصدیق می‌کند «وهو لزوم القيمة إذا تلف» اگر تلف شد قیمت بر عهده است «التي» قیمتی که «في ارتكاز و ارتكاز كل عاقل أنها تعتبر حال التلف» همین حرفی که مشهور می‌زنند، می‌گویند قیمت يوم التلف را ضامن باید بپردازد و امام(رضوان الله علیه) می‌فرمایند این قیمت يوم التلف در ارتكاز هر عاقل و هر کسی هست که يك مقداری تعقل کند، این در ارتكاز عقلاً وجود دارد. چرا؟ «إذ هي القيمة له فعل» قیمت يوم التلف قیمت فعلیه است، قیمت روزی که غصب کرده قیمت فعلی نیست، قیمت يوم الرد و يوم الأداء قیمت فعلی نیست، این قیمت ظهور در قیمت فعلی دارد، پس از این جهت جواب امام(ع)، اینکه فرموده «نعم قيمة بغل يوم خالفته» از يك جهت تصدیق ابی‌ولاد است، ابی‌ولاد در ذهنش این بوده قیمت روز تلف و امام(ع) فرموده بله قیمت روز تلف. «و رد له من حيث» از حيث دیگر رد است، کدام حيث؟ «وهو لازم اطلاقه من أن الضمان علي فرض التلف ثابت من وقت الأخذ فقال إنه ثابت يوم الغصب» ابی‌ولاد در ذهنش بوده از روزی که این بغل را کرایه کرده ضمان است، امام(ع) می‌فرماید از روز مخالفت.

پس روی نظر شریف امام که می‌فرمایند مانعی ندارد يوم خالفته را ما متعلق به نعم بگیریم یعنی نعم يلزمك يوم المخالفة، اما این قيمة بغل، یعنی قيمة البغل حال التلف، يوم التلف، چرا؟ چون قیمت فعلیه همین قیمت روز تلف است، پس این فرمایش امام که از این روایت قیمت يوم التلف را درآورده، درست برخلاف این دو گروه، گروه اول گفتند قیمت روز مخالفت و غصب همان روزی که غصب کرده، یعنی از همان زمانی که از قصر بنوهبیره به طرف نیل می‌رود، آن زمان مراد امام(ع) است که گفتیم اکثر این نظریه را دارند در این روایت.

برخی که گفته‌اند این يوم خالفته متعلق به نعم است مثل سید و صاحب جواهر، اینها می‌گویند اصلاً روایت متعرض اینکه قیمت چه روزی باید داده شود نیست و این هم نظر شریف امام که این يوم خالفته متعلق به نعم باشد، وقتی متعلق به نعم شد، اما بیائیم اینجا بگوئیم قيمة البغل ظهور در قیمت فعلی دارد، قیمت فعلی هم قیمت يوم التلف است، این خلاصه‌ی فرمایش امام.

نقد دیدگاه مرحوم امام خمینی

1) اشکالی که به فرمایش امام وارد است این است که بالأخره شما برای قیمت يوم التلف به ارتكاز عقلاً دارید تمسك می‌کنید، در حالی که ما می‌خواهیم ببینیم روایت چه می‌گوید؟ شما فرمودید يوم خالفته متعلق به نعم است، این يك. دو: فرمودید این قیمت یعنی قیمت فعلیه، تا اینجا هم درست. اما چرا قیمت فعلیه را منحصر به تلف قرار دادید؟ درست است سائل سوالش از طرف است ولی هم نسبت به تلف قیمت فعلیه معنا دارد و هم نسبت به مخالفت قیمت فعلیه معنا دارد، بنابراین این بیان این دو اشکال را دارد، اشکال اول اینکه قیمت فعلیه هم در يوم التلف معنا دارد و هم در يوم مخالفة.

2) اشکال دوم این است که بالأخره شما می‌خواهید بفهمانید در ارتکاز ابي‌ولاد همین قیمت يوم التلف است و امام هم آن را تأیید کردند، هم‌ه‌ي دعواهاي ما این است و ما هم قبول داریم، قبلاً هم گفتیم در ارتکاز عقلاً قیمت يوم التلف است، می‌خواهیم ببینیم این روایت با ارتکاز عقلاً مخالفت کرده یا نه؟ کجای روایت ظهور در قیمت يوم التلف دارد تا بیائیم بگوئیم مؤید ارتکاز عقلاً شد؟ اگر ما بیائیم بگوئیم این روایت ظهور در قیمت يوم التلف دارد می‌شود مؤید ارتکاز عقلاً، ولی انصافش این است که هیچ جایی این روایت ظهور در قیمت يوم التلف ندارد.

روي بيان امام(رضوان الله عليه) اگر بخوایم روایت را به يوم التلف معنا کنیم، اگر يوم المخالف را هم نیاورده بود باز می‌گفتیم مراد يوم التلف است، ولی هم‌ه‌ي مشکل این است که واقعه‌ش این است که این يوم المخالفة وجود و عدمش یکی است؟ همین روي بيان امام تقریباً یکی می‌شود، روي بيان امام اگر يوم المخالفة هم نبود که نبود! امام(ع) در جواب ابي‌ولاد می‌فرمود قیمت بغل را باید بدهی، قیمت را هم حمل بر قیمت فعلی می‌کنیم، قیمت فعلی هم یعنی قیمت يوم التلف، تمام می‌شد.

نکته: اینکه مرحوم نائینی فرمود «و بالجمله ظهور هذه الفقرة» در اینکه قیمت قیمت يوم المخالفة است واقعاً روایت ظهور خوبی در این دارد، حالا چطور ما می‌توانیم این را از جهت ادبی درست کنیم، آن اشکال پیش نیاید، متعلق به چه چیزی قرار بدهیم؟ همان وجه سومی که در تعلق به قیمت گفتیم بهترین وجه هست. ما باشیم و به قول امام، ذهن خودمان را از این مناقشات و احتمالات خالی کنیم، امام معصوم به ابي‌ولاد فرمودند «نعم قيمة بغل يوم خالفته» این ظهور در این دارد که روز مخالفت قیمت روز مخالفت ملاک است، يك ظهور روشنی در این دارد. مشهور می‌گویند اگر هم بعد تلف شد قیمت يوم المخالفة است.

نکته‌ای را عرض می‌کنم و روي آن فکر کنید برای فردا؛ و آن اینکه اساساً آیا در این 15 روز واقعاً بغل و استر قیمتش فرق می‌کرده؟ آن روزی که گرفته، آن روزی که غصب کرده، روزی که به نیل رفته، روزی که تلف شده و روزی که می‌خواهد رد کند، مگر می‌شود در 15 روز قیمت يك استر تغییر کند و اگر نه! آن وقت مشکل این است که يوم المخالفه را امام بر چه چیز فرموده است.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين